

چکیده

نظریه به اینکه هر سوره در زمان نزولش، ناظر بر مقتضیات و شرایط موجود در آن زمان است، توجه به آن شرایط و مقتضیات در تفسیر سوره، موجب فهم صحیح مراد خداوند از آیات آن سوره می‌شود. برای اینکه بستر نزول سوره دانسته شود، لازم است ابتدا زمان نزول سوره، با اشاراتی از خود سوره، روایات معتبر و تاریخ مشخص شود. سپس اوضاع حاکم در زمان نزول سوره با مطالعه تاریخ آن زمان روشن شود.

در این مقاله تلاش شده است در مرحله اول، اشارات تاریخی «سوره انفال» شناسایی شود و بعد با توجه به روایات تاریخی مربوط، تاریخ نزول این سوره معرفی شود. بررسی‌ها نشان می‌دهند که سوره انفال ناظر بر «جنگ بدر» است و در آن به مراحل متفاوت این جنگ اشاره شده است.

کلیدواژه‌ها: بستر تاریخی، جنگ بدر، سوره انفال، تاریخ اسلام

بیان مسئله

سؤالی که در این مقاله در صدد یافتن پاسخ آن هستیم، این است که سوره انفال در کدام بستر تاریخی نازل شده است. پاسخ به این سؤال می‌تواند مراد برخی از واژگان و تعبیری را که در این سوره محل اختلاف مفسران است، روشن سازد. زیرا بستر تاریخی نزول هر سوره قرائن حالی فهم آیات قرآن به‌شمار می‌رود و لحاظ چنین قرائنی می‌تواند از مقاصد آیات مورد نزاع پرده بردارد.

زمان نزول سوره انفال

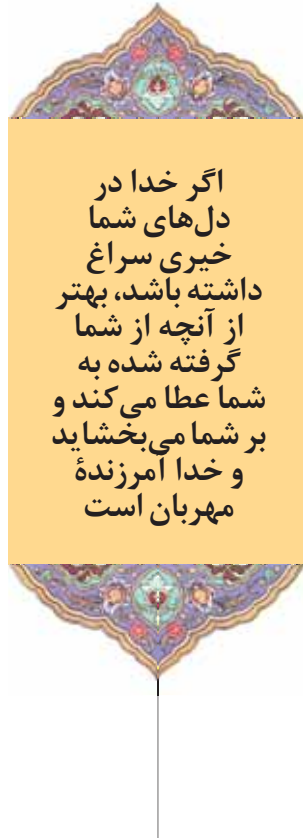
سوره انفال بعد از جنگ بدر و خطاب به شرکت‌کنندگان در این جنگ، در سال دوم هجرت نازل شده است. اشاراتی از آیات سوره انفال که انطباق نزول این سوره را به مناسبت جنگ بدر در سال دوم هجرت تأیید می‌کنند، عبارت‌اند از:
۱. شروع سوره با بیان سؤال مخاطبان درباره

سوره انفال

بستر تاریخی نزول

سروش یآوری

کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث



غنايم جنگی: «يستلونك عن الانفال قل الانفال لله والرسول...» (انفال / ۱): [ای پیامبر،] از تو درباره غنايم جنگی می پرسند. بگو: غنايم جنگی اختصاص به خدا و فرستاده [او] دارد...

۲. نزاع آن ها بر سر تقسیم این غنايم: «فاتقوا الله و اصلحوا ذات بينكم و اطيعوا الله و رسوله ان كنتم مؤمنين» (انفال / ۱)... پس از خدا پروا دارید و با يكديگر سازش كنيد و اگر ايمان دارید، از خدا و پیامبرش اطاعت كنيد.

۳. سخن از حضور دو طایفه كه يكی صاحب سلاح و تجهيزات جنگی است و دیگری فاقد آن و وعده دادن خداوند به پیروزی یکی از این دو گروه: «و اذ يعدكم الله احدی الطائفتين انهما لکم و تودون ان غير ذات الشوكة تكون لکم و يريد الله ان يحق الحق بكلماته و يقطع دابر الكافرين» (انفال / ۷): [به یاد آورید] هنگامی را كه خدا یکی از دو دسته [كاروان تجارتي قريش یا سپاه ابوسفیان] را به شما وعده داد

كه از آن شما باشد، و شما دوست داشتيد كه دسته بی سلاح برای شما باشد، و [بی] خدا می خواست حق [اسلام] را با كلمات خود ثابت، و كافرين را ریشه كن كند.

۴. بيان حالات اضطراب بعضی از مسلمانان در مواجهه با سپاه جنگی كفر و شرک و برطرف شدن آن با امدادهای الهی، از جمله بشارت به یاری فرستادن فرشتگان: «اذ تستغيثون ربكم فاستجاب لکم اني مدمكم بالف من الملكة مردفين، و ما جعله الله الا بشري و لتطمئن به قلوبكم و ما النصر الا من عند الله ان الله عزيز حكيم، اذ يغشاكم النعاس امينه منه و ينزل عليكم من السماء ماء ليطهركم به و يذهب عنكم رجز الشيطان و ليربط على قلوبكم و يثبت به الاقدام، اذ يوحى ربك الى الملكة اني معكم فثبتوا الذين آمنوا سألقي في قلوب الذين كفروا الرعب فاضربوا فسوق الاعناق و اضربوا منهم كل بنان» (انفال / ۱۲ - ۹): [به یاد آورید] زمانی را كه پروردگار خود را به فریاد می طلبیدید. پس دعای شما را اجابت كرد كه: «من شما را با هزار فرشته پیاپی، یاری خواهم كرد.» (۹)؛ و این [وعده]

را خداوند جز نویدی [برای شما] قرار نداد، و تا آنكه دل های شما بدان اطمینان یابد و پیروزی جز از نزد خدا نیست، كه خدا شكست ناپذیر [و] حكيم است (۱۰)؛ [به یاد آورید] هنگامی را كه [خدا] خواب سبک آرامش بخشی كه از جانب او بود بر شما مسلط ساخت، و از آسمان بارانی بر شما فرو ریزانید تا شما را با آن پاک گرداند، و وسوسه شیطان را از شما بزدايد و دل هایتان را محكم سازد و گام هایتان را بدان استوار دارد (۱۱)؛ هنگامی كه پروردگار ت به فرشتگان وحی می كرد كه من با شما هستم، پس کسانی را كه ايمان آورده اند، ثابت قدم بدارید. به زودی در دل كافرين وحشت خواهم افكند. پس، فراز گردن ها را بزنید، و همه سرانگشتانتان را قلم كنید

۵. بیان ویژگی هایی كه مربوط به مشركان قريش است و نشان دهنده این مطلب كه آن گروه كه مسلمانان با آن ها جنگیدند، مشركان قريش بودند:

● «... و اذكروا انتم قليل مستضعفون في الارض تخافون ان يتخطفكم الناس فآوئكُم و ايدكم بنصره و رزقكم من الطيبات لعلكم تشكرون» (انفال / ۲۶): و به یاد آورید هنگامی را كه شما در زمین، گروهی اندك و مستضعف بودید و می ترسیدید مردم شما را بربایند. پس [خدا] به شما پناه داد و شما را به یاری خود نیرومند گردانید و از چیزهای پاک به شما روزی داد، باشد كه سپاس گزاری كنید.

● «... و اذ يمكر بك الذين كفروا ليثبتوك او يقتلوك او يخرجوك و يمكرون و يمكر الله و الله خير الماكرين، و اذا تتلى عليهم آياتنا قالوا قد سمعنا لو نشاء لقلنا مثل هذا ان هاذا الا اساطير الاولين،» «و اذ قالوا اللهم ان كان هذا هو الحق من عندك فامطر علينا حجارة من السماء او ائتنا بعذاب اليم، و ما كان الله ليعذبهم و انت فيهم و ما كان الله معذبهم و هم يستغفرون، و ما لهم الا يعذبهم الله و هم يصدون عن المسجد الحرام و ما كانوا اولياءه ان اولياؤه الا المتقون و لاكن اكثرهم لا يعلمون، و ما كان صلاتهم عند البيت الا مكاء و تصديه فذوقوا العذاب بما كنتم تكفرون» (انفال / ۳۵ - ۳۰): و [یاد كن] هنگامی را كه كافرين درباره تو نیرنگ می كردند تا تو را به بند كشد یا بگشند یا [از مكه] اخراج كنند، و نیرنگ می زدند، و خدا تدبیر می كرد، و خدا بهترین تدبیر كنندگان است (۳۰)؛ و چون آیات ما بر آنان خوانده شود، می گویند: «به خوبی شنیدیم. اگر می خواستیم، قطعاً ما نیز همانند این را می گفتیم. این جز افسانه های پیشینیان نیست.» (۳۱)؛ و [یاد كن] هنگامی را كه گفتند: «خدایا، اگر

شواهد روایی نشان می‌دهد، این سوره بر جنگ بدر نظارت دارد و مخاطبان آن شرکت‌کنندگان در این جنگ هستند

توضیح داده شود.

● خروج مسلمانان از مدینه

در گزارش‌های تاریخی آمده است، در سال دوم هجرت به پیامبر خبر رسید کاروان تجاری «قریش» به سرپرستی ابوسفیان از شام به سوی مکه در حرکت است. پیامبر بعد از باخبر شدن از این موضوع، مسلمانان را گرد آورد و آن‌ها را برای تصرف اموال کاروان دعوت کرد. عده‌ای از مسلمانان از همان ابتدا به دعوت پیامبر پاسخ مثبت دادند و تعدادی در این امر سستی ورزیدند. علت سستی آن‌ها این بود که گمان نمی‌کردند، جنگی صورت بگیرد و اگر احتمال می‌دادند جنگی رخ خواهد داد، سستی نمی‌ورزیدند (الواقیدی، ۱۴۰۹ ه. ق، ج ۱: ۲۱-۲۰؛ ابن کثیر، ۱۳۹۶ ه. ق، ج ۱: ۷-۶؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵ ه. ق، ج ۲: ۱۱۶؛ ابن سید الناس، ۱۴۱۴ ه. ق، ج ۱: ۲۸۱؛ ابن کثیر، ۱۴۰۷ ه. ق، ج ۳: ۲۵۶).

در این گزارش، از ناآگاهی مردم نسبت به احتمال رویارویی با سپاه قریش، قبل از خروج آن‌ها از مدینه، سخن رفته است. اما نظر دیگری در این زمینه وجود دارد که مرجح است و می‌گوید: مسلمانان قبل از خروج از مدینه، احتمال رویارویی با سپاه قریش را می‌دادند؛ چون قبل از آن نیز شش‌بار کاروان‌های تجاری مکه را تهدید کرده بودند و می‌دانستند که قریش، کاروان تجاری خود را که از اهمیت فراوانی برخوردار است، رها نخواهد کرد و به حمایتش خواهد آمد. به علاوه، طبق آیه «و اذ یعدکم الله احدی الطائفین انهما لکم و تودون ان غیر ذات الشوکه تکون لکم و یرید الله ان یحق الحق بکلماته و یقطع دابر الکافرین»^۱، پیامبر وعده‌ی خداوند را مبنی بر دستیابی به کاروان تجاری ابوسفیان و یا پیروزی بر سپاه قریش برای آن‌ها بیان کرده بود و آن‌ها احتمال برخورد با سپاه قریش را می‌دادند. و گرنه کراهت آن‌ها با توجه به فشارهای اقتصادی‌شان و دستیابی آسان آن‌ها به اموال کاروان، نامعقول به نظر می‌رسد. (زرگری‌نژاد، ۱۳۷۸: ۲۷۸-۲۷۳)

لذا می‌توان گفت که وقتی پیامبر مسلمانان را برای تصرف اموال کاروان دعوت کرد، همگی از احتمال رویارویی با سپاه قریش آگاه بودند و به این دلیل بعضی از آن‌ها با حالت کراهت، همراه پیامبر از مدینه خارج شدند. آیه ۵ این سوره نیز مؤید همین معناست: «کما اخرجک ربک من بیتک بالحق و ان فریقا من المؤمنین لکاهون» (انفال / ۵): همان‌گونه که پروردگارت تو را از خانه‌ات به حق بیرون آورد و حال آنکه دسته‌ای از مؤمنان سخت کراهت داشتند.

این [کتاب] همان حق از جانب توست، پس بر ما از آسمان سنگ‌هایی بباران یا عذابی دردناک بر سر ما ببار.» (۳۲) و [الی] تا تو در میان آنان هستی، خدا بر آن نیست که ایشان را عذاب کند، و تا آنان طلب آموزش می‌کنند، خدا عذاب‌کننده‌ی ایشان نخواهد بود (۳۳)؛ چرا خدا [در آخرت] عذابشان نکند، با اینکه آنان [مردم را] از [زیارت] مسجدالحرام باز می‌دارند در حالی که ایشان سرپرست آن نباشند. چرا که سرپرست آن جز پرهیزگاران نیستند، ولی بیشترشان نمی‌دانند (۳۴) و نمازشان در خانه [خدا] جز سوت کشیدن و کف زدن نبود. پس به سزای آنکه کفر می‌ورزیدند، این عذاب را بچشید! (۳۵)

۶. اسارت تعدادی از مشرکان در این جنگ: «ما کان لنبی أن یرید ان یرید الدنیا و الله یرید الاخره و الله عزیز حکیم، لو لا کتاب من الله سبق لمسکم فیما اخذتم عذاب عظیم، فکلوا مما غنمتم حلالا طیباً و اتقوا الله ان الله غفور رحیم، یا ایها النبی قل لمن فی ایدیکم من الاسری ان یعلم الله فی قلبیکم خیرا یتکم خیرا مما اخذ منکم و یغفر لکم و الله غفور رحیم، و ان یریدوا خیانتک فقد خانوا الله من قبل فأمکن منہم و الله علیم حکیم» (انفال / ۷۱-۶۷): هیچ پیامبری را سزوار نیست که از اسیران جنگ فدا گرفته و آن‌ها را رها کند. شما متاع دنیا را می‌خواهید و خدا آخرت را می‌خواهد، و خدا شکست‌ناپذیر حکیم است (۶۷)؛ اگر از جانب خدا نوشته‌ای نبود، قطعاً در آنچه گرفته‌اید، به شما عذابی بزرگ می‌رسید (۶۸)؛ پس، از آنچه به غنیمت برده‌اید، حلال و پاکیزه بخورید و از خدا پروا دارید که خدا آمرزنده‌ی مهربان است (۶۹)؛ ای پیامبر، به کسانی که در دست شما اسیرند بگو: «اگر خدا در دل‌های شما خیری سراغ داشته باشد، بهتر از آنچه از شما گرفته شده به شما عطا می‌کند و بر شما می‌بخشاید و خدا آمرزنده‌ی مهربان است.» (۷۰) و اگر بخواهند به تو خیانت کنند، پیش از این [نیز] به خدا خیانت کردند [و خدا تو را] بر آنان مسلط ساخت، و خدا دانای حکیم است. (۷۱)

گزارش شواهد روایی که نشان می‌دهد، این سوره بر جنگ بدر نظارت دارد و مخاطبان آن شرکت‌کنندگان در این جنگ هستند، در ادامه می‌آید.

گزارش بستر نزول سوره انفال

اینک که اشارات سوره انفال به رویدادهای جنگ بدر مرور شد، مناسب می‌نماید، بستر نزول این سوره با اتکا به مضامین سوره و روایات مربوط

آمده است که گفتند: «ای رسول خدا، به خدا قسم این قریش از زمانی که عزیز شده، خوار نگشته و از زمانی که کافر شده، ایمان نیاورده و هرگز عزتش را از دست نمی‌دهد و با شدت خواهد جنگید و باید در خور آن و با تجهیزات، جنگ فرمایی: «یجادلونک فی الحق بعد ما تبین کانما یساقون الی الموت و هم یظنون» (انفال/ ۶): با تو درباره حق - بعد از آنکه روشن گردید - مجادله می‌کنند. گویی که آنان را به سوی مرگ می‌رانند و ایشان [بدان] می‌نگرند. سپس مقداد بن عمرو، از مهاجرین و سعد بن معاذ به نیابت از انصار، موافقت خویش را با نظر پیامبر اعلام کردند. در نتیجه، تصمیم شورای نظامی بر جنگیدن شد. پیامبر از این تصمیم خشنود شد و وعده‌ای را که خداوند قبلاً به آن حضرت، مبنی بر دستیابی به یکی از دو طایفه داده بود، یادآور شد و محل کشته شدن مشرکین مکه را به مسلمانان نشان داد (الواقعی، ۱۴۰۹ ه. ق، ج ۱: ۴۹)

● خروج مشرکین از مکه

وقتی ابوسفیان به نزدیکی حجاز رسید، برای جلوگیری از حمله ناگهانی به کاروان، مرتباً از مسافرانی که در راه با آن‌ها برخورد می‌کرد، وضعیت راه را می‌پرسید. تا اینکه از طریق یکی از آن‌ها از تصمیم پیامبر مبنی بر تصرف کاروان باخبر شد. در این هنگام، ضمیم بن عمرو غفاری را به مکه فرستاد تا قریش را از این تصمیم پیامبر آگاه کند و از آن‌ها بخواهد که برای حمایت از کاروان مکه خارج شوند (ابن کثیر، ۱۳۹۶ ه. ق، ج ۱: ۶؛ ابن کثیر، ۱۴۰۷ ه. ق، ج ۳: ۲۵۷؛ الصالحی الشامی، ۱۴۱۴ ه. ق، ج ۴: ۱۹) خود نیز از زمانی که از تصمیم پیامبر آگاه شده بود، در فرود آمدن و حرکت کردن کاروان احتیاط می‌کرد. لذا وقتی کاروان به نزدیکی‌های بدر رسید، ابوسفیان زودتر از کاروان به بدر رفت و با پرس‌وجویی که کرد، از حضور چند نفر از سواران اهل مدینه که چند روز پیش در آنجا حضور داشتند، باخبر شد و فوراً به سمت کاروان رفت و مسیر آن را به سوی ساحل دریای احمر تغییر داد. (ابن کثیر، ۱۳۹۶ ه. ق، ج ۱: ۶۱۸؛ الطبری، ۱۳۸۷ ه. ق، ج ۲: ۴۳۷)

از طرف دیگر، وقتی ضمیم بن عمرو خبر تصمیم پیامبر بر تصرف کاروان را به قریش مکه رساند (الطبری، ۱۳۷۸ ه. ق، ج ۲: ۴۳۰؛ البیهقی، ۱۴۰۵ ه. ق، ج ۳: ۳۱) آن‌ها برای حمایت از کاروان آماده شدند. اشخاص قوی به ضعیفان کمک کردند تا آن‌ها هم بتوانند در جنگ شرکت کنند. طعیمة

همچنین، با توجه به آیات ۲۱ و ۴۹ این سوره می‌توان گفت که به دلیل این احتمال، عده‌ای از منافقان به دعوت پیامبر اعتنایی نمی‌کردند و عزم مسلمانان برای تصرف کاروان تجاری ابوسفیان را به سبب احتمال درگیری با سپاه قریش، ناشی از فریب دینی می‌دانستند:

● «و لا تکنوا کالذین قالوا سمعنا و هم لایسمعون» (انفال/ ۲۱): و از کسانی نباشید که گفتند: «شنیدیم» در حالی که نمی‌شنیدند.

● «اذ یقول المنفقون و الذین فی قلوبهم مرض غر هولاء دینهم و من یتوکل علی الله فان الله عزیز حکیم» (انفال/ ۴۹): آن‌گاه که منافقان و کسانی که در دل‌هایشان بیماری بود، می‌گفتند: «اینان [مؤمنان] را دینشان فریفته است.» و هر کس بر خدا توکل کند [بداند که] در حقیقت خدا شکست‌ناپذیر حکیم است.

● مشورت پیامبر با مسلمانان مبنی بر

جنگیدن با سپاه قریش

مسلمانان که تعدادشان ۳۱۳ (البلاذری، ۱۴۱۷ ه. ق، ج ۱: ۲۹۰) یا ۳۰۵ (الواقعی، ۱۴۰۹ ه. ق، ج ۱: ۲۳؛ ابن سعد، ۱۴۱۰ ه. ق، ج ۲: ۸) نفر می‌رسید، به قصد تصرف کاروان، از مدینه خارج شدند و به راه خویش ادامه دادند تا به «ذفران» (ابن کثیر، ۱۳۹۶ ه. ق، ج ۱: ۶۱۴؛ الحللی، ۱۴۰۰ ه. ق، ج ۲، ۳۸۵) یا نزدیکی «بدر» (الواقعی، ۱۴۰۹ ه. ق، ج ۱: ۴۸؛ المقریزی، ۱۴۲۰ ه. ق، ج ۱: ۹۳) رسیدند. در آنجا بود که پیامبر از گریختن کاروان (الیوسفی، ۱۴۱۷ ه. ق، ج ۲: ۱۱۸) و بیرون شدن سپاه قریش از مکه به قصد حمایت از کاروان باخبر شد (الواقعی، ۱۴۰۹ ه. ق، ج ۱: ۴۸؛ ابن کثیر، ۱۳۹۶ ه. ق، ج ۱: ۶۱۴؛ البیهقی، ۱۴۰۵ ه. ق، ج ۳: ۳۴) وقتی پیامبر این خبر را به یاران خویش داد و نظر خود را مبنی بر جنگیدن با سپاه قریش به آن‌ها اعلام کرد، عده‌ای از آن‌ها جزع کردند و شدیداً ترسیدند (الیوسفی، ۱۴۱۷ ه. ق، ج ۳: ۱۱۸). لذا پیامبر در این مورد با مسلمانان مشورت کرد و نظر آن‌ها را جویا شدند. تعدادی از صحابه، هر کدام برخاستند و سخنانی (ابن کثیر، ۱۳۹۶ ه. ق، ج ۱: ۶۱۵؛ البیهقی، ۱۴۰۵ ه. ق، ج ۳: ۳۴؛ الصالحی، ۱۴۱۴ ه. ق، ج ۴: ۲۶) گفتند. در بعضی از منابع تاریخی در مورد پاسخ این صحابه (الیوسفی، ۱۴۱۷ ه. ق، ج ۲: ۱۸) (الواقعی، ۱۴۰۹ ه. ق، ج ۱: ۴۸؛ المقریزی، ۱۴۲۰ ه. ق، ج ۱: ۹۳؛ یوسفی، ۱۴۱۷ ه. ق، ج ۲: ۱۱۹) چنین



عده‌ای از منافقان به دعوت پیامبر اعتنایی نمی‌کردند و عزم مسلمانان برای تصرف کاروان تجاری ابوسفیان را به سبب احتمال درگیری با سپاه قریش، ناشی از فریب دینی می‌دانستند



بن عدی نیز متعهد شد هزینه خانواده‌ها را بپردازد. همچنین، تعدادی از توانگران قریش مبالغی را برای پرداخت مخارج جنگ و تهیه مرکب‌ها پرداخت کردند و هر کس از افراد قریش که در این سفر شرکت نکرد، کسی را به جای خویش فرستاد (الواقدی، ۱۴۰۹ ه. ق، ج ۱: ۳۳-۳۲). ۹۵۰ جنگجو به همراه ۱۰۰ اسب با خودنمایی و تکبر از مکه خارج شدند (همان، ص ۳۹): «و لا تکنونوا کالذین خرجوا من دیارهم بطرا و رثاء الناس و یصدون عن سبیل الله و الله بما یعملون محیط» (انفال / ۴۷): و مانند کسانی مباشید که از خانه‌هایشان با حالت سرمستی و به صرف نمایش به مردم خارج شوند و [مردم را] از راه خدا باز می‌داشتند، و خدا به آنچه می‌کنند، احاطه دارد.

کنیزان خواننده و نوازنده را نیز همراه خویش به جنگ بردند (الواقدی، ۱۴۰۹ ه. ق، ج ۱: ۳۹؛ الصالحی الشامی، ۱۴۱۴ ه. ق، ج ۴: ۲۲). قریش منزل به منزل پیش می‌رفتند و در بین راه افرادی از آن‌ها با کشتن شتر، سپاهیان را اطعام می‌کردند (البیعوبی، بی تا، ج ۲: ۴۵؛ ابن کثیر، ۱۴۰۷ ه. ق، ج ۳: ۲۶۰): «ان الذین کفرا ینفقون الموالهم لیصدوا عن سبیل الله فسینفقونها ثم تکنون علیهم حسرہ ثم یغلبون و الذین کفروا الی جهنم یحشرون» (انفال / ۳۶): بی گمان، کسانی که کفر ورزیدند، اموال خود را خرج می‌کنند تا [مردم را] از راه خدا بازدارند. پس بهزودی [همه] آن را خرج می‌کنند، و آن‌گاه حسرتی بر آنان مستولی خواهد گشت. سپس مغلوب می‌شوند و کسانی که کفر ورزیدند، به‌سوی دوزخ گرد آورده خواهند شد.

مشرکین مکه همچنان به راه خویش ادامه می‌دادند تا اینکه پیک از جانب ابوسفیان به‌سوی آن‌ها آمد. ابوسفیان زمانی این پیک را به‌سوی آن‌ها فرستاد که از نجات کاروان از دست مسلمانان مطمئن شده بود و از طریق بیک، این خبر را به آن‌ها رساند و از ایشان خواست که به مکه بازگردند اما ابو جهل باز گشت به مکه را خوش نداشت و می‌گفت: ما به مکه بر نمی‌گردیم تا اینکه در بدر (از بازارهای معروف عرب)، سه روز جشن بگیریم و همه اعراب از وضعیت ما آگاه شوند و از این پس از ما بترسند. بعضی از تیره‌های قریش مانند «بنی زهره» و «بنی عدی بن کعب» که در سپاه حضور داشتند، بعد از شنیدن خبر پیک ابوسفیان، به مکه بازگشتند و سپاه را همراهی نکردند (البیهقی، ۱۴۰۵ ه. ق، ج ۳: ۳۳؛ ابن کثیر، ۱۴۰۷ ه. ق، ج ۳: ۲۶۶) و ابو جهل به همراه باقیمانده سپاه به راه خود ادامه دادند تا در عدوة القصوی (ابن کثیر، ۱۳۹۶ ه. ق، ج ۱: ۶۱۹؛

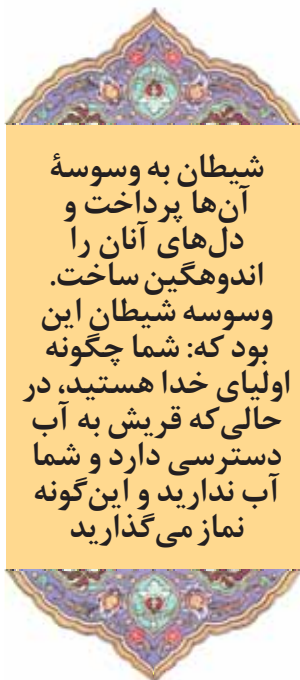
ابن کثیر، ۱۴۰۷ ه. ق، ج ۳: ۲۶۶) فرود آمدند.

● حالات بعضی از مسلمانان قبل از جنگ و

امدادهای الهی

مسلمانان بعد از تصمیم شورای نظامی مبنی بر جنگیدن، به راه خویش ادامه دادند تا در منطقه‌ای فرود آمدند که زمینش از رمل پوشیده شده بود و حرکت کردن در آن مشکل بود. این در حالی بود که به‌علت زودتر رسیدن مشرکین به محلی که آب بود، به آب نیز دسترسی نداشتند (بلخی، ۱۴۲۳ ه. ق، ج ۲: ۱۰۳؛ راوندی، ۱۴۰۵ ه. ق، ج ۱: ۶۰؛ الصالحی الشامی، ۱۴۱۴ ه. ق، ج ۴: ۲۹). مسلمانان که جنگ با سپاه قریش را قطعی دیده بودند و مفری نمی‌دیدند، با استغاثه به درگاه خداوند از او طلب یاری کردند (کاشانی، ۱۴۲۳ ه. ق، ج ۳: ۱۵) و خداوند نیز بشارت یاری فرستادن فرشتگان را برای آرام شدن قلوب مضطربشان به آن‌ها داد: «اذ تستغیثون ربکم فاستجاب لکم انی ممدکم بالف من الملائکه مردفین؛ و ما جعله الله الا بشری و لتطمئن به قلوبکم و ما النصر الا من عند الله ان الله عزیز حکیم» (انفال / ۱۰-۹): [به یاد آورید] زمانی را که پروردگار خود را به فریاد می‌طلبید. پس دعای شما را اجابت کرد که: «من شما را با هزار فرشته پیاپی یاری خواهیم کرد.» و این [وعده] را خداوند جز نویدی [برای شما] قرار نداد، و تا آنکه دل‌های شما بدان اطمینان یابد و پیروزی جز از نزد خدا نیست، که خدا شکست‌ناپذیر [و] حکیم است.

همچنین با مستولی کردن خواب بر آن‌ها باعث آرامشان شد (بلخی، ۱۴۲۳ ه. ق، ج ۲: ۱۰۴؛ قمی، ۱۳۶۷ ه. ق، ج ۱: ۲۶۱؛ الصالحی الشافی، ۱۴۱۴ ه. ق، ج ۴: ۳۰). وقتی مسلمانان از خواب بیدار شدند، برای وضو و غسل نیاز به آب داشتند. در این موقع بود که شیطان به وسوسه آن‌ها پرداخت و دل‌های آنان را اندوهگین ساخت. وسوسه شیطان این بود که: شما چگونه اولیای خدا هستید، در حالی که قریش به آب دسترسی دارد و شما آب ندارید و این‌گونه نماز می‌گذارید و پاهایتان در رمل فرو می‌رود. در این زمان بود که خداوند بار دیگر لطف خود را شامل حال مسلمانان کرد و باران را فرستاد تا آن‌ها خودشان را تطهیر کنند. همچنین زمین زیر پایشان محکم و حرکت در آن آسان شود (بلخی، ۱۴۲۳ ه. ق، ج ۲: ۴-۱۰۳؛ راوندی، ۱۴۰۵ ه. ق، ج ۱: ۶۰؛ الصالحی الشافی، ۱۴۱۴ ه. ق، ج ۴: ۲۹). در حالی که باران برای دشمن پیامد خوبی



شیطان به وسوسه
آن‌ها پرداخت و
دل‌های آنان را
اندوهگین ساخت.
وسوسه شیطان این
بود که: شما چگونه
اولیای خدا هستید، در
حالی که قریش به آب
دسترسی دارد و شما
آب ندارید و این‌گونه
نماز می‌گذارید

اطاعت کنید و با هم نزاع نکنید که سُست شوید و مهابت شما از بین برود، و صبر کنید که خدا با شکیبایان است (۴۶).

● رخدادهای روز جنگ

پیامبر در شب جنگ بدر، دو تن از یاران خویش را مأمور بررسی وضعیت سپاه کرد. آن‌ها بعد از بررسی، وحشت و ترس قریش را برای پیامبر گزارش کردند (الواقدی، ۱۴۰۹ ه. ق، ج ۱: ۵۴؛ قمی، ۱۳۶۷، ج ۱: ۲۶۲). از آن سو مشرکان نیز عمیر بن وهب را فرستادند تا اوضاع سپاه اسلام را بررسی کند. او وضعیت مسلمانان را چنین بیان کرد که آن‌ها علی‌رغم نداشتن نیروی کمکی و کمین، با اینکه حدود ۳۰۰ نفر بیش نیستند، چنان عزم قوی بر جنگیدن دارند که تا هر کدام از آن‌ها یک نفر از شما را نکشند، کشته نخواهند شد و اگر فقط به تعداد خودشان هم از شما بکشند، دیگر خیری در زندگی نخواهد بود. این گزارش بعضی از مشرکان را از جنگ با مسلمانان منصرف کرد. اما ابوجهل با برانگیختن عامر بن حضرمی به خون‌خواهی برادرش، مانع این تصمیم شد (الواقدی، ۱۴۰۹ ه. ق، ج ۱: ۳-۶۲؛ ابن سعد، ۱۴۱۰ ه. ق، ج ۲: ۱۲-۱۱؛ ابن کثیر، ۱۳۹۶ ه. ق، ج ۲: ۷-۴۰۶).

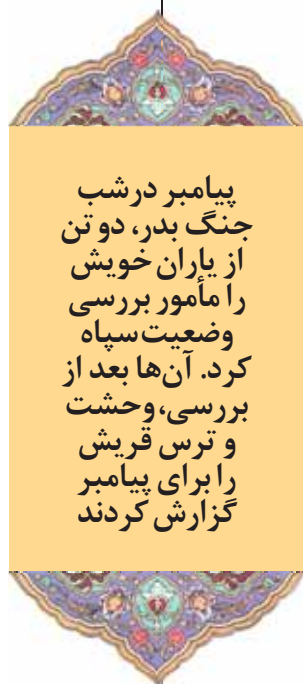
جنگ با مبارزه طلبیدن تن به تن آغاز شد (الواقدی، ۱۴۰۹ ه. ق، ج ۱: ۶۸؛ ابن کثیر، ۱۳۹۶ ه. ق، ج ۱: ۶۲۵) و به صورت حمله عمومی ادامه یافت. پیامبر مشتتی از ریگ‌های بیابان را به سوی لشکر دشمن پاشید و آن‌ها را نفرین کرد (الواقدی، ۱۴۰۹ ه. ق، ج ۱: ۸۱؛ ابن کثیر، ۱۳۹۶ ه. ق، ج ۲: ۴۳۳). «... و ما رمیت اذ رمیت و لکن الله رمی...» (انفال/ ۱۷): و چون [ریگ به سوی آنان] افکندی، تو نیفکندی، بلکه خدا افکند.

فرشتگان نیز به امر خدا مسلمانان را یاری نمودند (الواقدی، ۱۴۰۹ ه. ق، ج ۱: ۷۱؛ ابن کثیر، ج ۲: ۴۱۸؛ کاشانی، ۱۴۲۳ ه. ق، ج ۳: ۱۶): «اذ یوحی ربک الی الملئکه انی معکم فتنبتوا الذین ءامنوا سألقی فی قلوب الذین کفروا الرعب فاضربوا فوق الاعناق و اضربوا منهم کل بنان» (انفال/ ۱۲): هنگامی که پروردگارت به فرشتگان وحی می‌کرد که من با شما هستم، پس کسانی را که ایمان آورده‌اند ثابت‌قدم بدارید. به زودی در دل کافران وحشت خواهد افکند. پس، فراز گردن‌ها را برزنید، و همه سرانگشتان‌شان را قلم کنید. ابوجهل که پیروزی گروه بر حق را از خدا طلبیده بود (الواقدی، ۱۴۰۹ ه. ق، ج ۱: ۷۰؛ ابن کثیر،

نداشت و حرکت را در زمین طرف آن‌ها مشکل کرده بود (ابن سعد، ۱۴۱۰ ه. ق، ج ۲: ۱۱). این‌گونه بود که خداوند وسوسه شیطان را از آن‌ها دور کرد و دل‌هایشان را دوباره به لطف خویش ثابت‌قدم نمود: «اذ یغشیکم النعاس اُمنه منه و ینزل علیکم من السماء ماء لیطهرکم به و یدهب عنکم رجز الشیطان و لیربط علی قلوبکم و یشبث به الاقدام» (انفال/ ۱۱): [بسه یاد آورید] هنگامی را که [خدا] خواب سبک آرامش‌بخشی را که از جانب او بود، بر شما مسلط ساخت، و از آسمان بارانی بر شما فرو ریزانید تا شما را با آن پاک گرداند، و وسوسه شیطان را از شما بزاید و دل‌هایتان را محکم سازد و گام‌هایتان را بدان استوار داند.

گفتنی است که اگر این الطاف خداوند نبود، اضطراب‌شان آن‌ها را به سست شدن کامل و نزاع در امر جنگیدن می‌کشاند: «اذ یریکهم الله فی منامک قلیلاً و لو اُرثکم کثیراً لفشلتم و لتنازعنم فی الامر و لاکن الله سلم انه علیم بذات الصدور» (انفال/ ۴۳): [ای پیامبر، یاد کن] آن‌گاه را که خداوند آنان [سپاه دشمن] را در خوابت به تو اندک نشان داد و اگر ایشان را به تو بسیار نشان می‌داد، قطعاً سست می‌شدید و حتماً در کار [جهاد] منازعه می‌کردید، ولی خدا شما را به سلامت داشت، چرا که او به راز دل‌ها داناست.

در این صورت، فرارشان امری طبیعی بود. از آن‌روست که خداوند بعد از جنگ بدر آن‌ها را به ثبات قدم در برابر دشمن و عدم فرار از جنگ امر می‌کند: «یا ایها الذین ءامنوا اذلقیتهم الذین کفروا زحفا فلا تولوهم الادبار؛ و من یولهم یومئذ دبره الا متحرفاً لقتال او متحیزاً الی فئه فقد باء بعضب من الله و مأوئته جهنم و بیئس المصیر؛ یا ایها الذین ءامنوا اذ لقیتم فئه فاثبتوا و اذ کروا الله کثیراً لعلکم تفلحون؛ و اطیعوا الله و رسوله و لاتنازعوا فتنفشلوا و تذهب ریحکم و اصبروا ان الله مع الصابین» (انفال/ ۱۵، ۱۶، ۴۵، ۴۶): ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هر گاه [در میدان نبرد] به کافران برخورد کردید که [به سوی شما] روی می‌آورند، به آنان پشت مکنید (۱۵)؛ و هر که در آن هنگام به آنان پشت کند - مگر آنکه [هدفش] کناره‌گیری برای نبردی [مجدد] یا پیوستن به جمعی [دیگر از هم‌زمانش] باشد - قطعاً به خشم خدا گرفتار خواهد شد، و جایگاهش دوزخ است، و چه بد سرانجامی است (۱۶)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چون با گروهی برخورد می‌کنید پایداری ورزید و خدا را بسیار یاد کنید، باشد که رستگار شوید (۴۵)؛ و از خدا و پیامبرش



پیامبر در شب جنگ بدر، دو تن از یاران خویش را مأمور بررسی وضعیت سپاه کرد. آن‌ها بعد از بررسی، وحشت و ترس قریش را برای پیامبر گزارش کردند

پی‌نوشت‌ها

۱. انفال/ ۷: [و به یاد آورید] هنگامی را که خدا یکی از دو دسته [کاروان تجارتی قریش یا سپاه ابوسفیان] را به شما وعده داد که از آن شما باشد، و شما دوست داشتید که دسته‌ی سلاح برای شما باشد، و [الی] خدا می‌خواست حق [اسلام] را با کلمات خود ثابت، و کافران را ریشه‌کن کند.

۲. «و اذ قالوا اللهم ان کان هذا هو الحق من عندک فامطر علینا حجاره من السماء أو ائتنا بعذاب الیم» (انفال/ ۳۲): و [یاد کن] هنگامی را که گفتند: خدا یا، اگر این [کتاب] همان حق از جانب توست، پس بر ما از آسمان سنگ‌هایی بباران یا عذابی درنداک بر سر ما بیاور.

۱۳۹۶ ه. ق، ج ۱: ۶۲۸) به هلاکت رسید و افراد دیگر سپاه قریش هم یکی پس از دیگری به هلاکت رسیدند: (ان تستفتحوا فقد جاءكم الفتح...» (انفال / ۱۹): [ای مشرکان] اگر شما پیروزی [حق] را می‌طلبید...

این چنین بود که به لطف خداوند، جنگ با پیروزی مسلمانان به پایان رسید.

● نزاع بر سر تقسیم غنائم

بعد از شکست مشرکین، به دستور پیامبر غنائم را در یکجا جمع کردند. هر گروه از مسلمانان آن را حق خود می‌دانست. آن‌هایی که غنائم را جمع کرده بودند، می‌گفتند: چون خودمان آن‌ها را جمع کرده‌ایم، کسی حقی در آن‌ها ندارد. گروهی که دشمن را تعقیب کرده بودند، به این دلیل که دشمن را از اموالش جدا کرده و فراری داده بودند، غنائم را حق خود می‌دانستند. کسانی هم که در کنار پیامبر بودند، ترس از آسیب رسیدن به پیامبر را دلیل جنگ نکردشان بیان کردند و خود را سزاوارتر به دریافت غنائم می‌دانستند. بدین ترتیب بر سر تقسیم غنائم بین مسلمانان اختلاف به وجود آمد. به همین مناسبت آیه ۱ سوره انفال نازل شد: «یستولونک عن الانفال قل الانفال لله و الرسول فاتقوا الله و اصلحوا ذات بینکم و اطیعوا الله و رسوله ان کنتم مؤمنین»: [ای پیامبر] از تو درباره غنائم جنگی می‌پرسند. بگو: «غنائم جنگی اختصاص به خدا و فرستاده [او] دارد. پس از خدا پروا دارید و با یکدیگر سازش کنید و اگر ایمان دارید، از خدا و پیامبرش اطاعت کنید.

طی این آیه اختیار تقسیم غنائم به پیامبر سپرده شد و پیامبر غنائم را به‌طور مساوی بین آن‌ها تقسیم کرد (ابن کثیر، ۱۳۹۶ ه. ق، ج ۱: ۱-۶۴۲ و ۷-۶۶۶؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵ ه. ق، ج ۲: ۱۳۰؛ البیوسفی، ۱۴۱۷ ه. ق، ج ۲: ۷-۱۳۶). نقل است که پیامبر در این جنگ علی‌رغم نزول آیه خمس، خمس غنائم را دریافت نکرد (الواقدی، ۱۴۰۹ ه. ق، ج ۱: ۹۹؛ قمی، ۱۳۶۷، ج ۱: ۲۵۵).

● سرنوشت اسرای جنگ

هفتاد (الواقدی، ۱۴۰۹ ه. ق، ج ۱: ۱۱۶) نفر از سپاه قریش به اسارت مسلمانان درآمدند که دو تن از ایشان به‌خاطر دشمنی با خدا و رسول (همان: ۱۱۵)، به دستور پیامبر در راه مدینه کشته شدند (ابن کثیر، ۱۳۹۶ ه. ق، ج ۱: ۶۴۴). وقتی اسیران به مدینه رسیدند، پیامبر آن‌ها را بین اصحاب خویش پخش کردند و سفارش

فرمودند که با آن‌ها به نیکی رفتار کنند (همان: ۶۴۵). سرانجام، اسیران قریش با پرداخت فدیة آزاد شدند (همان: ۶۴۹) و تعدادی نیز بدون فدیة به شهرشان برگشتند (همان: ۶۵۹): «فکلوها مما غنمتم حلالا طيبا و اتقوا الله ان الله غفور رحيم؛ یا ایها النبی قل لمن فی ایدیکم من الاسری ان یعلم الله فی قلوبکم خیرا یؤتکم خیرا مما اخذ منکم و یغفر لکم و الله غفور رحيم» (انفال / ۷۰-۶۹): پس از آنچه به غنیمت برده‌اید، حلال و پاکیزه بخورید و از خدا پروا دارید که خدا آمرزنده مهربان است. ای پیامبر، به کسانی که در دست شما اسیرند بگو: «اگر خدا در دل‌های شما خیری سراغ داشته باشد، بهتر از آنچه از شما گرفته شده، به شما عطا می‌کند و بر شما می‌بخشاید و خدا آمرزنده مهربان است.»

نتیجه

جنگ بدر در نیمه دوم ماه رمضان سال اول هجرت نازل شد. در شرایطی که مسلمانان چند بار به کاروان تجاری مشرکان مکه هجوم برده بودند و به تلافی اموالی که از آنان در مکه تصرف کرده بودند، آنان را غارت کرده بودند. این بار مشرکان، سپاه خود را برای حفاظت از کاروان تجاری‌شان به سوی مدینه فرستادند. اگرچه کاروان تجاری‌شان به سلامت عبور کرده بود، ابوجهل، رئیس وقت مشرکان مکه، به این قانع نشده بود. خواست به نظر خود مسلمانان را مجازات کرده باشد که دیگر به کاروانشان تعدی نکنند اما خداوند به مسلمانان وعده پیروزی داده بود. در این میان، عده‌ای از مسلمانان شرکت کننده در جنگ، از روبه‌روی با سپاه قریش واهمه داشتند ولی با الطاف خداوند، اضطرابشان از بین رفت و نتیجه جنگ به عکس چیزی شد که مشرکان مکه می‌خواستند.

پس از پیروزی، میان مسلمانان شرکت کننده در جنگ بر سر تقسیم غنائم نزاع رخ داد. خداوند برای رفع نزاع سوره‌ای نازل کرد که غنائم به رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) تعلق دارد و در ادامه آورد که باید یک پنجم غنائم برای مصارف عامه و نیازمندان صرف شود. البته پیامبر غنائم این جنگ را میان خود مسلمانان تقسیم کردند و خمس آن را خارج نکردند. ایشان اسیران جنگی را بین اصحاب خویش پخش و به نیک رفتاری با آن‌ها توصیه کردند. پس از مدتی تعدادی از این اسیران با فدیة و عده‌ای از ایشان بدون فدیة آزاد شدند.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند.
۲. ابن اثیر، عزالدین أبو الحسن علی بن ابی‌الکریم، الکامل فی التاریخ، دار صادر، بیروت، ۱۳۸۵ ه. ق.
۳. ابن سعد، محمد بن سعد بن منیع الهاشمی البصری، الطبقات الکبری، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، دارالکتب العلمیه، ط الأولی، بیروت، ۱۴۱۰ ه. ق.
۴. ابن سید الناس، أبو الفتح محمد بن سید الناس، عیون الأثر فی فنون المغازی و الشمانل و السیر، تعلیق ابراهیم محمد رمضان، دارالقلم، ط الأولی، بیروت، ۱۴۱۴ ه. ق.
۵. ابن کثیر، أبو الفداء اسماعیل بن عمر بن کثیر دمشقی، السیر النبوی، تحقیق مصطفی عبدالواحد، دارالمعرفه للطباعة و النشر و التوزیع، بیروت، ۱۳۹۶ ه. ق.
۶. البدای و النهایه، دارالفکر، بیروت، ۱۴۰۷ ه. ق.
۷. البلاذری، أحمد بن یحیی بن جابر، أنساب الأشراف، تحقیق سهیل زکار و ریاض زکلی، دارالفکر، ط الأولی، بیروت، ۱۴۱۷ ه. ق.
۸. بلخی، مقاتل بن سلیمان، تفسیر مقاتل بن سلیمان، تحقیق: عبدالله محمود شحاته، دار احیاء التراث، چاپ اول، بیروت، ۱۴۲۳ ه. ق.
۹. البیهقی، ابوبکر احمد بن الحسن، دلائل النبوی و معرفی احوال صاحب الشریع، تحقیق عبدالعطی قلجعی، دارالکتب العلمیه، ط الأولی، ۱۴۰۵ ه. ق.
۱۰. الحلبي، علی بن برهان‌الدین، السیر الحلبیه، دارالمعرفه، بیروت، ۱۴۰۰ ه. ق.
۱۱. الحمیری، المعارفی، عبدالملک بن هشام، السقا و ابراهیم البیرونی، تحقیق مصطفی دارالمعرفه، بیروت، بی تا.
۱۲. راوندی، قطب‌الدین سعید بن هبه‌الله، فقه القرآن فی شرح آیات الأحکام، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، چاپ دوم، قم، ۱۴۰۵ ه. ق.
۱۳. زرگری نژاد، غلامحسین، تاریخ صدر اسلام، سمت، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۸.
۱۴. الصالحی الشامی، محمد بن یوسف، سبیل الهدی و الرشاد فی سیره خیر العباد، تحقیق عادل احمد عبدالموجود و علی محمد معوض، دارالکتب العلمیه، ط الأولی، بیروت، ۱۴۱۴ ه. ق.
۱۵. الطبری، أبو جعفر محمد بن جریر، تاریخ الأمم و الملوک - تاریخ طبری، تحقیق محمد أبو الفضل ابراهیم، دار التراث، ط الثانیه، بیروت، ۱۳۸۷ ه. ق.
۱۶. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، تحقیق: سیدطیب موسوی جزائری، دارالکتب، چاپ چهارم، قم، ۱۳۶۷.
۱۷. کاشانی، ملافتح‌الله، زبدت التفاسیر، بنیاد معارف اسلامی، چاپ اول، قم، ۱۴۲۳ ه. ق.
۱۸. المقریزی، تقی‌الدین أحمد بن علی، امتناع الأسماع بما للنبی من الأحوال و الأموال و الحفده و المتاع، تحقیق محمد عبدالحمید النمیس، دارالکتب العلمیه، ط الأولی، بیروت، ۱۴۲۰ ه. ق.
۱۹. الواقدی، محمد بن عمر، المغازی، تحقیق مارسدن جونس، مؤسسه الأعلمی، ط الثانیه، بیروت، ۱۴۰۹ ه. ق.
۲۰. البیوقوسی، احمد بن ابی یعقوب بن جعفر بن وهب واضح الکاتب العباسی، تاریخ البیوقوسی، دارصادر، بیروت، بی تا.
۲۱. البیوسفی، محمدهادی، موسوعه التاریخ الاسلامی، مجمع الفکر الاسلامی، ط الأولی، قم، ۱۴۱۷ ه. ق.